

قاتل بخشیده شده به یاری جنگ‌زدگان شتافت

■ غلامرضا مسکنی

قاتلی که هشتت سال قبل بر سر یک بازی شطرنج، دوستش را با چاقو به قتل رسانده و یک بار پای چوبه دار رفته بود، با بخشش اولیای دم در بحبوحه جنگ ۴۰ روزه از زندان آزاد شد. اما آزادی برای او پایان ماجرا نبود. او قبل از آزادی نذر کرده بود «اگر بخشیده شوم، باقی عمرم را صرف کمک به نیازمندان و آسیب دیدگان جنگ می‌کنم.»

■ ■ ■

خردادماه ۱۳۹۷، مأموران پلیس یکی از شهرهای استان اصفهان از درگیری خونینی در یک میهمانی شبانه باخبر شدند.

وقتی مأموران به ساختمان مسکونی اعزام شدند، دریافتند لفظاتی قبل دو پسر جوان در جمع دوستانشان مشغول بازی شطرنج بودند. بازی که قرار بود ساعتی خوش و سرگرمی باشد، ناگهان به رقابتی جدی و سپس به درگیری تبدیل شد. یکی از آنها چاقویی از آشپزخانه برداشت و ضربه‌ای به دیگری زد و سپس از محل گریخت.

■ تلاش برای نجات و اعلام مرگ

دوستان حاضر در میهمانی، بلافاصله «محمد» ۲۵ ساله زخمی را برای درمان به بیمارستان منتقل کردند. تیم پزشکی تلاش زیادی برای نجات جان پسر جوان انجام داد، اما ضربه چاقو به قسمت حساس بدن اصابت کرده بود و شدت جراحات به حدی بود که محمد به کام مرگ رفت.

■ دوستی که قاتل شد

تحقیقات مأموران نشان می‌داد سعید و محمد هر دو دوست صمیمی بودند و همراه تعدادی از دوستان دیگرشان در این میهمانی شرکت داشتند. آنها تصمیم گرفتند برای سرگرمی شطرنج بازی کنند، اما هیچ کدام تصور نمی‌کردند یک بازی دوستانه به رقابتی

مرگبار بدل شود و در نهایت یک برد و باخت، به قتل یکی از آنها منجر گردد. بررسی‌ها همچنین نشان داد سعید پسر ووزشکار و تحصیلمکرده‌ای است. او فارغ‌التحصیل رشته تربیت بدنی والیبالیست بود. پس از حادثه، او به مکان نامعلومی گریخته بود و هیچ اثری از او باقی نمانده بود.

■ یک ماه فرار و بازگشت باعذاب وجدان

سعید به عنوان قاتل تحت تعقیب قرار گرفت، اما مأموران هیچ ردی از او پیدا نکردند. یک ماه بعد، اتفاقی رخ داد که کار آگاهان را شگفت‌زده کرد. قاتل خودش به اداره پلیس رفت و خود را معرفی کرد.

او در بازجویی به مأموران گفت: «برای فرار از ایران تا نقطه صفر مرز می‌رفتم. می‌خواستم از کشور خارج شوم، اما حین خروج، عذاب وجدان سراغم آمد و نتوانستم فرار کنم، به همین دلیل تصمیم گرفتم برگردم و خودم را به پلیس معرفی کنم.»

■ اعتراف قاتل: قصد قتل نداشتم

سعید با اظهار پشیمانی به قتل دوستش اعتراف کرد و در توضیح ماجرا گفت: «آن شب همراه تعدادی از دوستان میهمانی دوره‌می داشتم. من و محمد تصمیم گرفتیم شطرنج بازی کنیم. چند بازی بازی کردیم و به برد و باختمان حساس شدیم. رقابت ما جدی شد. در میان بازی با هم مشاجره کردیم. وقتی درگیری بالا گرفت، عصبانی شدم و چاقویی از آشپزخانه برداشتم و ضربه‌ای به محمد زدم. قصد قتل نداشتم. از ترس فرار کردم و وقتی به پلیس دوستم فوت کرده، پشیمان شدم و ترسیدم. اما عذاب وجدان رهایم نمی‌کرد تا اینکه در نقطه صفر مرزری با مادرم تماس گرفتم. او از من خواست خودم را به پلیس معرفی کنم. از آنجا به شهرمان برگشتم و تسلیم شدم.»

■ محکومیت به قصاص

و یک بار پای چوبه دار

متهم پس از اعتراف راهی زندان شد و اولیای دم برای متهم درخواست قصاص دادند. قضات دادگاه نیز او را به جرم قتل عمد به قصاص محکوم کردند. بدین ترتیب، نفس‌های قاتل به شماره افتاد.

او چندی قبل برای اولین بار پسای چوبه دار رفت. طناب دار به گردش آویزان شده بود، اما به دلیل حضور نداشتن اولیای دم، حکم قصاص اجرا نشد و او به سلولش بازگشت، اما سایه مرگ همچنان بر سرش سنگینی می‌کرد.

■ بخشش در بحبوحه جنگ

متهم در یک قدمی چوبه دار قرار داشت. در همین دوران، اولیای دم باخبر شدند که سعید در زندان رفتار بسیار خوبی دارد. او حتی برای اینکه یکی از هم‌بندی‌هایش از قصاص نجات یابد، زمین شخصی خود را فروخته و دیه مقولر را پرداخت کرده بود.

وقتی اولیای دم از این رفتار باخبر شدند، تصمیمی گرفتند که همه را شگفت‌زده کرد. آنها پیش از این اصرار به قصاص داشتند، اما در بحبوحه جنگ ۴۰ روزه، خانواده قاتل برای گرفتن رضایت به خانه آنها رفتند. اولیای دم در همان جلسه اعلام کردند: «متهم را بدون هیچ چشم‌داشتی و فقط بسرای رضای خدا می‌بخشیم.»

پدر و مسادر قاتل با چشمانی گریان به خانه اولیای دم رفته بودند، اما تصور نمی‌کردند آنها در همان جلسه از قصاص فرزندشان منصرف شوند. اولیای دم اعلام کردند: «وقتی شنیدیم که چرا یک لحظه نتوانستم خشمم را کنترل کنم و این حادثه خونین را رقم زدم.»

■ آزادی پس از ۸ سال

بدین ترتیب، قاتل پس از هشت سال تحمل حبس، فروردین ماه اسامل از زندان آزاد شد و به آغوش خانواده‌اش بازگشت.



■ نذری که به بار نشست

جوان والیبالیست قبل از آزادی نذر کرده‌بود اگر خانواده مقول او را ببخشند، باقی عمرش را صرف کمک به افراد نیازمند و به‌ویژه آسیب‌دیدگان جنگ ۴۰ روزه می‌کند. او که به تازگی به زندگی دوباره بازگشته، از روزهای سخت زندان و نذری که قرار است ادا کند، می‌گوید: «من قصد قتل نداشتم، اما در زندان هر روز و شب، سایه چوبه دار روی سرم بود و این کلبوس رهایم نمی‌کرد. پشیمان بودم که چرا یک لحظه نتوانستم خشمم را کنترل کنم و این حادثه خونین را رقم زدم.»

■ کمک به جنگ‌زدگان: ادای نذر

وی ادامه داد: «نذر کردم اگر بخشیده شوم، برای آرامش روح آن مرحوم، هسر کاری از دستم برای افراد نیازمند برآید انجام دهم و دریغ نکنم.»

وقتی بر خوردها هدف را گم می‌کند



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

در سال‌های اخیر، هم‌زمان با فشارهای اقتصادی، گرانی به‌ یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر زندگی اجتماعی تبدیل شده‌است. این فشار صرفاً در تسبید معیشت خانوار متوقف نمی‌ماند، بلکه به تدریج خود را در لایه‌های عمیق‌تر جامعه، از امنیت اجتماعی تا سلامت روان و حتی نظم حقوقی و قضایی، نشان می‌دهد.

در چنین شرایطی، نشانه‌های گسترش برخی آسیب‌های اجتماعی قابل‌انکار نیست: افزایش پرونده‌های مرتبط با جرایم مالی، رشد سرعت‌های

خرد، گسترش کلاهبرداری‌های خرد و کلان و حتی افزایش به‌فعالیت‌های غیرقانونی در حاشیه اقتصاد رسمی. در کنار آن، فشار معیشتی می‌تواند به تشدید مصرف مواد مخدر، کاهش توان دسترسی به خدمات درمانی و آموزشی و در نهایت فرسایش سرمایه اجتماعی منجر شود.

اما پرسش اساسی اینجاست که در برابر این زنجیره از پیامدها، نظام مواجهه و سیاست‌گذاری تا چه اندازه متناسب و به‌روز است؟

بخش مهمی از انتقادهای متوجه این واقعیت است که سازوکارهای برخورد، همچنان بیش از آنکه ریشه‌محور باشند، پیامدمحور عمل می‌کنند. یعنی تمرکز بر حلقه‌های پایینی زنجیره جرم؛ جایی که افراد آسیب‌پذیرتر، کم‌برخوردارتر و در بسیاری موارد ناگزیر از شرایط اقتصادی، در معرض برخورد مستقیم قرار می‌گیرند. نتیجه این وضعیت، چرخه‌ای تکرار شونده است: بازداشت، زندان کوتاه‌مدت، بازگشت به جامعه بدون تغییر در ریشه‌های مسئله، و تکرار دوباره همان مسیر.

در مقابل، مطالبه‌ای که در سطح افکار عمومی شکل گرفته، ناظر بر تمرکز بر «دانه درشت‌ها» در ساختارهای اقتصادی و انحرافات بزرگ‌تر است؛ جایی که فساد، انحصار، یا تخلفات سازمان‌یافته می‌توانند آثار بسیار گسترده‌تری نسبت به جرایم خرد داشته باشند. وقتی بخش‌هایی از اقتصاد درگیر رانت، کمبود مصنوعی کالا، یا انحراف در زنجیره تأمین می‌شود، طبیعی است که فشار آن نهایتاً به پایین‌ترین لایه‌های جامعه منتقل شود. در چنین شرایطی، مسئله صرفاً «شدت مجازات» یا «مار برخوردها» نیست، بلکه «کیفیت هدف‌گیری» در سیاست جنایی و نظارتی است. جامعه این پرسش را مطرح می‌کند که چرا وزن برخوردها بیشتر بر دوش افراد کم‌قدرت اجتماعی قرار می‌گیرد تا ساختارهایی که امکان اثرگذاری گسترده‌تری دارند. این پرسش، لزوماً نفی وظایف نهادهای انتظامی یا قضایی نیست، بلکه نقدی بر اولویت‌بندی‌ها و کارآمدی ابزارهای نظارتی است.

از سوی دیگر، تداوم این وضعیت می‌تواند پیامدهای اجتماعی مهمی داشته باشد. نخست، کاهش اعتماد عمومی به عدالت است؛ زمانی که مردم احساس کنند بر برخورد متوازن نیست، اعتماد اجتماعی آسیب می‌بیند. دوم، عادی‌سازی جرم در لایه‌های پایین‌تر جامعه است؛ جایی که افراد احساس می‌کنند هزینه تخلف برای گروه‌های مختلف یکسان نیست. سوم، افزایش احساس بی‌عدالتی است که خود می‌تواند به ناراحتی‌های گسترده‌تر و بی‌ثباتی اجتماعی منجر شود.

در چنین قضایی، تقویت نگاه پیشگیرانه به جای برخورد، یک ضرورت است. سیاست‌گذاری اقتصادی شفاف، نظارت واقعی بر زنجیره‌های توزیع، کاهش زمینه‌های رانت و پاسخگویی در سطوح بالاتر تصمیم‌گیری، می‌تواند اثرگذاری بسیار بیشتری از صرف افزایش برخوردهای انتظامی داشته باشد. در نهایت، اگر قرار باشد چرخه فعلی متوقف شود، باید هم‌زمان دو مسیر طی شود: از یک سو حمایت از نهادهای قانونی در برخورد با جرایم خرد و از سوی دیگر تمرکز جدی‌تر بر ساختارهایی که امکان تولید و بازتولید تخلف در مقیاس بزرگ را فراهم می‌کنند. در غیر این صورت، همان چرخه‌ای که امروز دیده می‌شود، با شدت بیشتر ادامه خواهد یافت؛ چرخه‌ای که در آن فشار اقتصادی افزایش می‌یابد، آسیب‌های اجتماعی گسترده‌تر می‌شود، و شکاف میان جامعه و سازوکارهای رسمی عمیق‌تر.

کشف ۲۳۵ قبضه سلاح غیر مجاز در خوزستان

فرمانده انتظامی خوزستان از اجرای طرح سه‌روزه مقابله با قاچاق سلاح و مهمات در سطح استان خبر داد که در جریان آن، ۲۳۵ قبضه سلاح غیرمجاز کشف و ۱۴۴ نفر دستگیر شدند.

سردار سعید محمود میر فیضی گفت: در راستای مقابله بی‌امان با قاچاقچیان سلاح و ارتقای امنیت عمومی، طرح مقابله با قاچاق سلاح در نقاط مختلف خوزستان اجرا شد. وی افزود: در نتیجه اجرای این عملیات، ۲۳۵ قبضه سلاح غیرمجاز شامل ۷۰ قبضه جنگی و ۱۶۵ قبضه شکاری به همراه ۳ هزار ۵۶ عدد مهمات کشف و ضبط شد. همچنین ۱۴۴ نفر از عاملان مرتبط با این پرونده‌ها بازداشت و به مراجع قضایی تحویل داده شدند. فرمانده انتظامی خوزستان با تأکید بر نقش سلاح‌های غیرمجاز در بروز جرائم خشن از جمله تیراندازی‌های غیرقانونی، سرعت‌های مسلحانه و قتل گفت: بر خورد و دارندگان و قاچاقچیان سلاح به صورت مستمر و قاطعانه در دستور کار پلیس قرار دارد.

خانه بیرون آمدند و درخواست کمک کردند.

■ شکایت از مردی به نام فرمان

مأموران پلیس در ادامه به بیمارستان رفتند. زن جوان از مردی به نام «فرمان» شکایت و ادعا کرد او با کلت کمبری به پای پسرش شلیک کرده‌است.

او در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «مدتی قبل در میهمانی شبانه یکی از دوستانم با مردی به نام فرمان آشنا شدم. وقتی فهمید شوهر ندارم، خودش را به من نزدیک و با چرب‌زبانی به من ابراز علاقه کرد. ما با هم ارتباط دوستانه برقرار کردیم تا اینکه تصمیم گرفتم خودروی سواری دنا پلاس بخرم.»

وی ادامه داد: «فرمان گفت دوستانش در کار خرید و فروش خودرو هستند و برای اینکه کلاه سرم نرود، از دوستانش خودرو را بپریم می‌خرد. من مقداری پول پس‌انداز داشتم و مقداری از طلاهایم را هم فروختم و به فرمان دادم. او هم خودروی دنا پلاس را خرید و در اختیار من قسار داد، اما هیچ وقت سندش را به نام من نزد. هر زمانی از او می‌خواستم سند خودرو را به نام من بزنم، امروز و فردا می‌کرد.»

■ روز حادثه

شاکلی افزود: «فهمیدم که او قصد دارد سر من کلاه بگذارد. روز حادثه همراه پسرم به خانه‌اش رفتم. دوباره سر همین موضوع مشاجره کردیم که ناگهان کلت کمبری را به سمت من و فرزندم گرفت و تیری شلیک کرد. آن تیر به پای پسرم اصابت کرد. لحظه‌ای شوکه شده‌بودم که او از خانه‌اش خارج شد و با سرعت خودروی دنا از محل گریخت. من هم با داد و فریاد داخل کوچه آمدم و درخواست کمک کردم.»

■ دستگیری متهم در ویلائی در قشم

با ثبت شکایت زن جوان، پرونده به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرعت برای بررسی در اختیار تیم زبده‌ای از کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت.

مأموران تحقیقات خود را برای شناسایی ضارب آغاز کردند. سرانجام، دو روز قبل، متهم را در ویلائی در منطقه قشم شناسایی و در عملیاتی غافلگیرانه بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

■ ادعای عجیب متهم: خودرو را کادوی تولد داده‌بودم

متهم در بازجویی‌های ادعای کاملاً متناقضی مطرح کرد. او به کارآگاهان گفت: «مدتی قبل با فروزان آشنا شدم. او گفت شوهرم فوت کرده و من هم تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم. رابطه دوستانه ما ادامه داشت و قرار بود به زودی به محضر برویم و عقد کنیم. چند روز قبل از حادثه، جشن تولدم بود و او گفت می‌خواهد برای جشن تولدم کادوی گرانبهایی بدهد. با هم به نمایشگاه خودرو رفتم و او خودروی دنا پلاس را خرید و به من کادو داد.»

وی ادامه داد: «روز حادثه او به خانه‌ام آمد و گفت پشیمان شده و باید خودرو را پس دهم. همین موضوع باعث شد با هم مشاجره کنیم که خودش اسلحه را از جیبش بیرون آورد و شلیک کرد. تیر به پای پسرش خورد. من از ترس فرار کردم.»

در حالی که اظهارات شاکلی و متهم کاملاً در تضاد با یکدیگر است، کارآگاهان پلیس آگاهی تحقیقات خود را برای روشن شدن زوایای پنهان این حادثه ادامه می‌دهند.

شلیک به پای کودک

به‌خاطر اختلاف بر سر خودرو



■ آرمین بیبا

مردی که متهم است بر سر اختلاف خودرو و پانز هورد علاقه‌اش به پای کودک خردسال او شلیک کرده بازداشت شد. متهم ادعا می‌کند خودرو کادوی تولدش بوده‌است.

چندی قبل، رهگذرانی در یکی از خیابان‌های شرقی تهران ناگهان با صحنه هولناکی روبه‌رو شدند. زن جوانی با چشم‌مانی گریان و وحشت‌زده، پسر خردسال خود را در آغوش گرفته بود و فریاد می‌زد: «کمک کنید، پسرم تیر خورده.»

دقایقی بعد، با تماس شهروندان، تیم اورژانس در محل حاضر شد و پسر زخمی را که از ناحیه پا مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود، برای درمان به بیمارستان منتقل کرد.

■ مأموران پلیس وارد عمل شدند

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران پلیس به محل حادثه اعزام شدند. در تحقیقات اولیه، مأموران دریافتند ساکنان محل، لحظاتی قبل از حادثه، صدای شلیک گلوله را از یکی از خانه‌ها شنیده بودند. ثابیه‌هایی بعد، زن جوان به همراه پسر خردسالش که با شلیک گلوله زخمی شده‌بود، از همان

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰

عباس صبوری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

شنامه آگهی: ۲۱۷۹۱۸۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶

شنامه آگهی: ۲۱۷۹۶۹۱

عین اله تیموری - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان